# خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۲۴ فروردین ۱۳۹۸
۷ شعبان ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۱۰۲


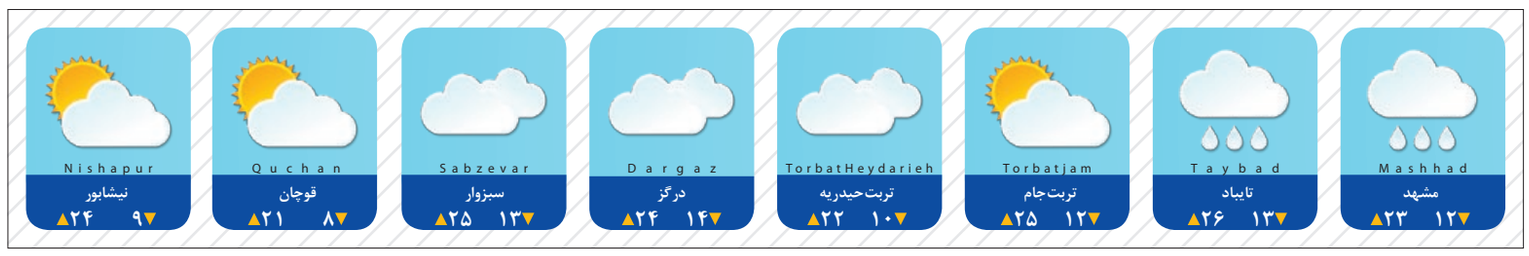



روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱


## حکمت روز

امام صادق (ع)

**آن کس که هنگام خشم، طمع، ترس و خواهش نفس خویشتن دار باشد، خدا بدنش را بر آتش حرام می کند.**
(تحف‌العقول، ص ۳۶۱)

## مناجات

علامه حسن زاده آملی

**الهی، روزگاری تو را به آواز بلند می خواندم، اکنون از آن استغفار می کنم، که (إذ نادی ربّه نداءً خفیّاً- مریم/۳)
الهی، سال ها به خواندن اشارات و أسفار و شفا و فصوص دلخوش بودم و اکنون به گفتن آن ها. عاقبت حسن را حسن گردان!
الهی، این همه خواب و بیداری ام (ربِّ ارجعون- مؤمنون/۹۹) گفتن بود و از جناب شما پذیرفتن، دیگر به چه رو (ربِّ ارجعون) گویم که (إنّا إلیه راجعون- بقره/۱۵۶) گویم.
الهی، هراس حسن از خویش، بیش از اهرمن است، که این دشمن بیگانه است و آن آشنا و همخانه.**

## با شاعران

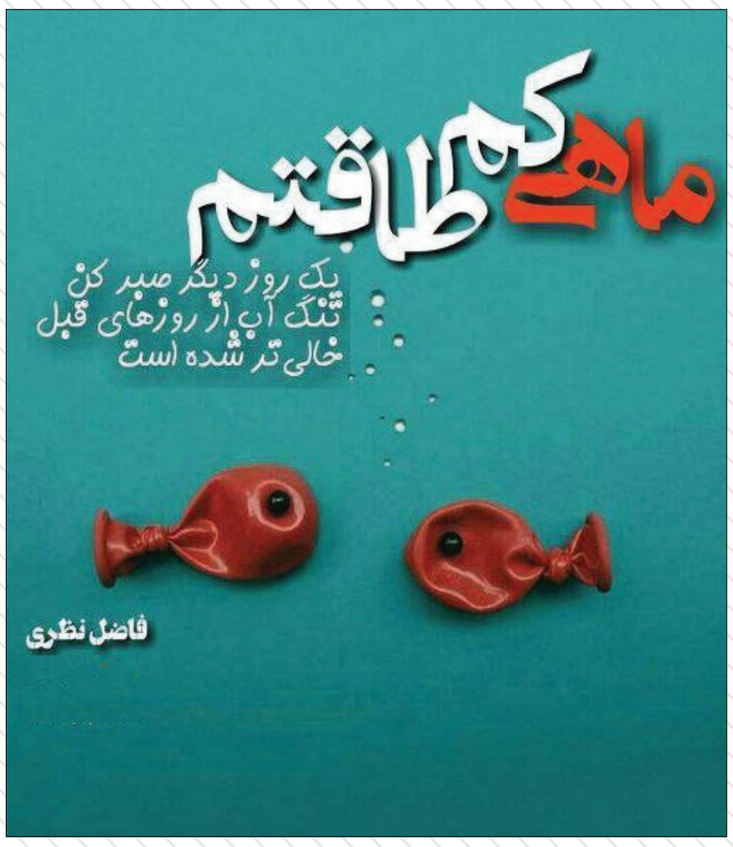


## خراسان به روایت خراسان

۲۴ فروردین ۱۳۴۲

### آتنا آتشفشانی خود را آغاز کرد

۵۶ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: کوه آتشفشان آتنا دیشب پس از چهل سال بار دیگر آغاز به آتشفشانی کرد و نهرهایی از مواد مذاب به سوی دهکده های اطراف آن رها ساخت. مواد مذابی که از دهانه این کوه خارج می شود، جنگلی در آن نزدیکی را در معرض تهدید قرار داده است. اگر این جنگل آتش بگیرد دریایی از آتش به وجود خواهد آمد. ساکنان دهکده های اطراف این کوه اکنون به صورت جمعی مشغول خالی کردن خانه های خود و فرار از این منطقه هستند.

**دزدان دوچرخه دستگیر شدند**

همان طور که قبلا اطلاع دادیم از چند دقیقه اول همه روزه تعداد زیادی دوچرخه از مردم به سرقت می رود ولی اثری از سارق یا سارقین آن به دست نمی آمد. تا این که اخیرا مامورین کلانتری بخش یک باندی از سارقین دوچرخه را کشف نمودند و از ناحیه آنان تعداد زیادی دوچرخه به دست آمد که تحویل مخزن آگاهی گردید تا کسانی که دوچرخه هایشان به سرقت رفته بود برای دریافت آن به آگاهی مراجعه نمایند.

**پدر آزاد و پسر زندانی شد**

در شماره گذشته خبر دستگیری پدر و پسری را به اتهام قاچاق در راه آهن به وسیله مامورین پلیس درج کردیم. در وسایل این پدر و پسر ۹ کیلو و ۴۰۰ گرم تریاک کشف شده بود. این دو نفر با پرونده امر تحویل دادسرای مشهد شده و پس از رسیدگی به پرونده آنان در شعبه چهارم بازپرسی معلوم شد که پدر بی گناه است و در این جریان دخالتی نداشته لذا با صدور قرار، پدر آزاد شد و پسر بازداشت و روانه زندان گردید.

**شکستن استخوان، صمد را محکوم کرد**

صمد از اهالی تربت جام است که به اتهام ایراد ضربه و شکستن استخوان دست چپ فردی به نام حسین تحت تعقیب قرار داشت. روز گذشته در شعبه اول دادگاه جنایی استان این فرد محاکمه شد و به ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم گردید.

**مردی که زنش را کتک می زد، به زندان افتاد**

خبرنگار ما گزارش می دهد روز گذشته زن جوانی به دادسرای مشهد مراجعه کرد و طی شکایتی به دادستان عنوان نمود شوهرم به نام عبدالعلی هر دم و به هر بهانه ای مرا به باد کتک می گیرد و ضربات سختی به من وارد می کند. او تقاضای رسیدگی و تعقیب شوهرش را نمود. شکایت مزبور در پرونده منعکس و به شعبه پنجم بازپرسی ارجاع گردید. عبدالعلی به بازپرسی احضار و پس از تحقیقاتی که ازوی به عمل آمد معلوم شد که موضوع شکایت زن درباره ایراد ضرب و جرح صحیح بوده و ضمنا مشخص شد که نامبرده دو سال قبل با زن مزبور که دختری بوده، ازدواج غیرقانونی کرده و بدون آن که او را عقد رسمی کند، با کمک برادر و پدر خود دختر کر را عقد مخفی نموده است لذا به این جهت هم تحت تعقیب قانونی قرار گرفت و با صدور قرار قانونی بازداشت و روانه زندان گردید. همچنین به دستور بازپرس پدر و برادر عبدالعلی نیز به اتهام شرکت در مراسم عقد غیرقانونی تحت پیگرد قرار گرفتند.

## نمای تاریخی

**تصویری از حرم مطهر و فلکه پیرامون آن از جهت پایین خیابان -۱۳۵۵ه.ش (مزار پیرپالان دوز هم در سمت راست و پایین تصویر دیده می‌شود.)**

## حرف توی حرف

سارا صالحی

### گفت‌وگو با حمید امامی خبرنگار رسانه ملی و برنامه‌ساز تلویزیونی

# بدون تعارف با «بدون تعارف»

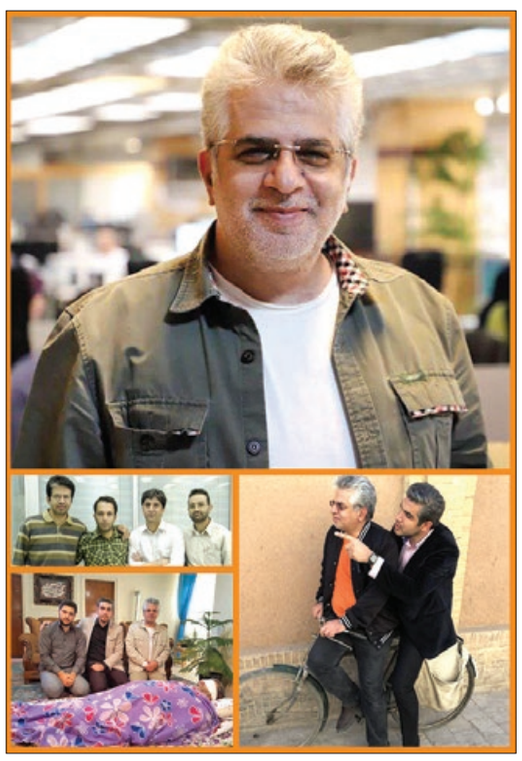

**تجربه سال ها کار میدانی در امور خبری و رسانه ای را پشت سر گذاشته و مردم از قاب های مختلف خبری سیما بیننده گزارش ها و گفت و گوهایش بوده اند اما شاید سبک و سیاقی که برای گفتن حرف دلش در قالب گفت و گوهای صریح و بی پرده «بدون تعارف» انتخاب کرده، بیش از همیشه مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است.**
**حمید امامی برای آن هایی که پای ثابت برنامه های خبری رسانه ملی هستند، پیشتر با آیتم های خبر سیاسی و بعدها گزارش هایی که از مالزی مخابره می کرد، شناخته می شود اما در این سال ها نیز اجرای یکی از آیتم های جالب خبر ۲۰:۳۰ یعنی برنامه «بدون تعارف»، بهانه ای شد تا او و تیم رسانه ای همراهش بارها سوژه رسانه های داخلی و خارجی و البته کاربران شبکه های مجازی شوند.**
**او در «بدون تعارف» با آدم هایی به گفت و گو می نشیند که قصه هایی متفاوت دارند و ماجرای زندگی آن ها و حواشی را که با نام و بعضا اعتقاداتشان پیوند خورده روایت می کند. مثلا از ماجرایی که پشت شرط جالب یک کارآفرین برای استخدام است تا حاشیه های فلان ورزشکار عاشق سلفی یا مثلا یک گفت و گوی بدون تعارف با «ابوعزرائیل» و حتی صحبت های جنجالی با بعضی از چهره های عالم سیاست.**
**خلاصه این بار «حمید امامی» را سوژه یک گفت و گوی بدون تعارف کردیم تا او برایمان از حرفه دشوار خبرنگاری بگوید.**

**ماجراهای امامی در رسانه ملی**

همان اول صحبت، از «امامی» می پرسیم که چطور پایش به رسانه ملی باز شد، در جواب برایمان تعریف می کند: بخشی از دوران سربازی من در صدا و سیما به عنوان نیروی امریه سپری شد. این موضوع مربوط می شود به اوایل دهه ۷۰. یک روز، به طور تصادفی آگهی جذب خبرنگار را در رسانه ملی دیدم. در آزمون شرکت کردم و پس از قبولی، در سال ۷۷ وارد خبرگزاری صدا و سیما (واحد مرکزی خبر سابق) شدم.
سبک انتخاب و پیگیری سوژه های امامی در بین همکارانش به خصوص در «بدون تعارف» به «دلی» معروف است. از او می خواهیم تا در خصوص نحوه انتخاب سوژه هایش توضیح بدهد، اول بر یک اصل حرفه ای برای خود تاکید می کند و می گوید: همیشه پیش از هر طرح و اقدامی، خودم را جای مخاطب می گذارم و فکر می کنم که الان پای تلویزیون نشسته ام و دارم این برنامه را می بینم، بعد از خودم می پرسم از چنین سوژه ای به عنوان مخاطب برنامه خوشم می آید یا نه؟ خلاصه سعی می کنم خودم را جای مخاطب هم بگذارم.
وی تاکید می کند: به همین دلیل به سوژه هایی که از دل زندگی مردم بیرون می آید، علاقه بیشتری دارم. تنها در صورت نیاز به بعضی موضوعات و کاراکترهایی می پردازم که در بحث های روزمره جامعه جای خود را پیدا کرده اند. گاهی هم به واسطه بررسی بازتاب گفتار و رفتار مسئولان در فضای مجازی، به سمت سوژه های اقتصادی و سیاسی تغییر جهت می دهم.
در یکی از قسمت های «بدون تعارف» به سوژه ای می پردازند که جنجال و حاشیه زیادی به خصوص در رسانه های آن سوی آبی به پا کرد و جریان ساز شد. وی درباره ماجرای انجام آن مصاحبه بیشتر توضیح می دهد: همزمان با داغ شدن بحثی موسوم به دختران خیابان انقلاب و طرح رسانه های معاند خارجی برای کشف حجاب و صد البته مانور جهت دار آن ها روی این ماجرا، به سراغ خانواده معصومه علی نژاد قمی (معروف به مسیح علی نژاد)، خبرنگار و فعال افراطی ساکن آمریکا رفتیم و در آن برنامه نشان دادیم که اعضای خانواده اش باورها و اعتقادات دیگری دارند که در تضاد کامل با صحبت های اوست. این خبرنگار رسانه ملی اضافه می کند: آن ها بدون هیچ اجباری با ما وارد مصاحبه شدند اما رسانه های فارسی زبان خارجی کاملا جریان را وارونه جلوه می دادند و برای اولین بار متهم شدیم که به سبک بازپرس های وزارت اطلاعات عمل کرده ایم. ولی حقیقت این بود که ما به خاطر کسالت مادر و پدر علی نژاد اصلا به سراغ آن ها نرفتیم و فقط گفت وگو را با خواهر و خواهرزاده وی، آن هم با استقبال خودشان انجام دادیم. آن گزارش بازتاب های جهانی بسیاری پیدا کرد که معلوم بود خیلی عصبانی شده اند، طوری که وادار شدند تا واکنش نشان بدهند.

**هنوز مردم خبر موثق را از رسانه ملی دنبال می کنند**

از ابتدا به کار گروهی معتقد بوده و همچنان نیز هست و به همین دلیل در قالب برنامه های خود این نکته را لحاظ می کند. در «بدون تعارف» نیز از همین تجربه بهره گرفته است: این جنس همکاری مسبوق به سابقه است. یک سال پیش، برنامه ای را با ایمان مرآتی با عنوان «شبانه ها» از اول شب تا صبح تهیه می کردیم که به همه افرادی که در دل شب به کار مشغول هستند، می پرداخت. این همکاری دو نفره، یک تنوع فرمی از جهت بصری و همچنین محتوایی ایجاد می کرد و با پرسشگری به دو سبک مختلف تند و ملایم از مصاحبه شونده، جواب های جالب تری دریافت می کردیم.
امامی، مخالف این بحث است که اقبال و حتی اعتماد عامه جامعه به اخبار رسانه ملی کمتر شده و مخاطبان خبرشان را از منابع دیگری اخذ می کنند. او در رد این بحث اظهار می کند: آخرین نتایج مرکز آمار صداوسیما بیانگر اقبال ۸۵ درصدی مردم به محتواهای خبری رسانه ملی است. با وجود در دسترس بودن وسایل ارتباطی و تکثر مراکز خبری داخلی و خارجی، جامعه آماری که به طور مرتب با آن ها در ارتباط هستم، نشان می دهد که هنوز هم وقتی مردم ما می خواهند خبر موثقی را در موضوعات مد نظرشان به دست بیاورند، آن را از رسانه ملی مطالبه و پیگیری می کنند.

**خاطرات و خطرات خبرنگاری**

مثل هر فعال رسانه ای، از مسیر سال های طولانی کار در حوزه های مختلف خبری و اطلاع رسانی خاطرات جذاب ریز و درشت بسیاری دارد و یکی از آن ها را برایمان تعریف می کند: حاج اکبر شریعت، مداح «کربلا کربلا»، یکی از سوژه های «بدون تعارف» بود که با گذر بیش از ۳۰ سال از دوران دفاع مقدس و باز شدن راه کربلا هنوز آرزویش سفر به این سرزمین و زیارت حرم امام حسین (ع) بود. ما هر چه از او می پرسیدیم، حرف اول و آخرش کربلا بود. بعد از پخش برنامه با سیلی از پیام های مخاطبان روبه رو شدیم که تحت تاثیر این مصاحبه می خواستند وی را راهی این سفر معنوی کنند که خدا را شکر این امر محقق شد و گزارش آن را هم تهیه و پخش کردیم.
وی با تاکید بر همه فراز و نشیب ها و دغدغه های زندگی حرفه ای اهالی رسانه به خصوص خبرنگاران، به بیان رسالت اصلی فعالان بخش های مختلف خبری و اطلاع رسانی می پردازد و بیان می کند: وقتی شاهدیم یک برنامه تاثیرگذار است و حتی در حد رفع یک مشکل و تحقق یک آرزو موثر واقع می شود، خستگی از تن خبرنگار بیرون می رود. چون همان طور که همه می دانند این شغل حقوق و مزایای چندانی برای خبرنگاران ندارد. ولی همان علاقه و انگیزه درونی خبرنگاران را سرپا نگه می دارد. به ویژه وقتی در یک سری مسائل می بینیم که اثر کار ما راهگشای امور مردم شده، به ادامه کار تشویق می شویم و در این راه همه سختی ها را به جان می خریم.
بعد از نقل خاطرات، نوبتی هم که باشد، حرف از خطرات و سختی های این کار است که امامی برایمان از چند و چون حضور در متن جنگ چنین می گوید: من در سه جنگ افغانستان، عراق و لبنان حضور داشته و در آن روزها حتی انفجار مهیب یک خودرو را در نزدیکی خودم تجربه کرده ام. آن قدر این انفجار شدت داشت که آن ماشین به پشت بام یک خانه پرتاب شد. در تجربه دیگری، برای تهیه گزارشی از مرزبانان گمنام کشورمان، علی رضوانی، همکارم به مرز بلوچستان رفته بود و خطر تا بیخ گوش شان نزدیک شد. طوری که تروریست های آن منطقه ردآن ها را زده بودند و بنای تیراندازی و حمله داشتند که الحمدلله موفق نشدند.

**«بدون تعارف» ترین حرف هایم با امام رضا(ع)**

این خبرنگار، بخشی از علایق و آرزوهایش را هم بیان می کند: از خدا خواسته ام که بتوانم با گزارش ها و اخباری که تهیه می کنم، باری از دوش مردم بردارم. اما یک چیز هم همیشه برای خودم از باری تعالی طلب می کنم و آن؛ عاقبت به خیری است. البته یکی از علایق حرفه ای ام این است که پیش از بازنشستگی بتوانم با سردار سلیمانی یک مصاحبه «بدون تعارف» داشته باشم.
به خاطر گرفتاری های شغلی، کمتر فرصتی برای یک سفر معنوی دلچسب برای امامی و خانواده اش دست می دهد. با وجود این هر مجال کوتاهی هم برای او مغتنم است. خودش می گوید: فکر کنم اگر از هر ایرانی درباره حس و حال مشهد و زیارت آمدن بپرسید، یک جواب را بشنوید؛ این که از صمیم قلب دوست دارد که به پابوسی امام رضا(ع) بشتابد.
وی ادامه می دهد: البته من معمولا به بهانه های کاری مشهد می آیم و توفیق یک زیارت مفصل، از آن ها که غم فاصله را از دل می شوید، پیش نمی آید. از خدا می خواهم تا فرصتی دست دهد و بیشتر از این ها حضرت مرا به آستانش بطلبد. هیچ گفت و گویی دلنشین تر از دردل هایی «بدون تعارف» با حضرت رضا(ع)، نیست.

## یادداشت

علی اکبر نیکواقبال

عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه تهران

### رونق تولید و بایدها و نبایدهایی از علم اقتصاد

بحث رونق تولید و حمایت از محصول داخلی و کالای ایرانی به دفعات، طی سال های گذشته مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. اما برای دستیابی به این اهداف در چارچوب شعار امسال که «رونق تولید» است، باید به بعضی نکات توجه کرد. علم و تجربه از ارکان مهم تصمیم گیری و سیاست گذاری برای حال و آینده است؛ پس ضروری است که جنبه ها و نکات علمی تجربی مرتبط با این موضوع، شکافته و تجزیه و تحلیل شود تا سیاست گذاری ها و تصمیمات مجریان و مقامات اقتصادی کشور با رعایت این نکات اتخاذ گردد. «تولید»، هسته مرکزی علم اقتصاد را تشکیل می دهد و تعاریف مختلف از علم اقتصاد مانند: اقتصاد؛ علم تولید، توزیع و مصرف است یا اقتصاد علم استفاده از منابع کمیاب برای تامین حداکثر نیازهای انسانی است یا تولید فرایند ترکیب منابع و عوامل تولید است و عوامل مذکور از دو گروه عوامل اولیه یعنی کار، (مواد و تجهیزات) و عوامل ثانویه یا مدیریت (اجزای برنامه ریزی، سازمان دهی و کنترل) تشکیل می شود و بالاخره ده ها تعریف دیگر که همگی نشان از اهمیت و اولویت بلامنازع به مباحث مرتبط با تولید دارد. از نظر تاریخی، تولید و تاکید به اهمیت آن از ویژگی های اساسی اقتصاد کلاسیک است که نظریه اقتصادی حاکم در جهان را تا اوایل قرن بیستم تشکیل می داده است. به گفته صاحب نظران این حوزه؛ هر تولید و عرضه ای، متناسب با خودش، تقاضایی را (به علت پرداخت دستمزد، بهره و سود) ایجاد می کند و کل عرضه تولیدات مورد تقاضا، مصرف و استفاده می شود. این نظریه که نزدیک به دو قرن، نظریه های حاکم بر جهان اقتصاد را تحت سیطره خود قرار داده بود مانند همه نظریه های تکاملی دچار تحولاتی اساسی شد. اقتصاددانان نئو کلاسیک با مطرح کردن نظریه و مفروضات جدید در نیمه اول قرن بیستم و «نئونئو کلاسیک یا پول گرایان» در اواخر قرن بیستم، توانستند با نظریه های انقلابی خود، اولویت بلامنازع تولیدگرایان یا نظریه کلاسیک را مورد سوال و حتی نفی قرار دهند. نظریه نئو کلاسیک با سرکردگی اقتصاددان معروف انگلیسی، کینز، نشان داد که این عرضه نیست که تقاضا را به وجود می آورد بلکه این تقاضا یا خواسته های اقتصادی مردم و جامعه است که عرضه منابع و تولید را ایجاد و هدایت می کند. در این نظریه، پول، مقدار و شدت گردش پول هدایت گر همه تحولات اقتصادی بیان شد یعنی اگر عده ای روزها چاه بکنند و گروه دیگری، شب ها چاه های کنده شده را پُر کنند؛ این کار به ظاهر عبث (یعنی دادن پول به افراد بدون انجام کار و فعالیت واقعی تولیدی)، انگیزه های تولید محصولات و کالای تولیدی را ارتقا می بخشد و از این طریق درآمدهای اقتصادی جامعه و مردم را افزایش می دهد. البته بدنیست گفته شود که این دیدگاه نظری توسط ابن خلدون، هم به نوعی مطرح و تاکید شده بود که اگر کالا و خدمتی مانند گرمابه و استحمام عمومی نظر مردم را جلب نکند این کار و خدمت از دایره تولید خارج می شود. نظریه نئو کلاسیک به ویژه در بازسازی مناطق ویران شده در جنگ دوم جهانی موثر واقع شد و این کشورها نظیر کشور آلمان در اندک زمانی توانستند به رشد و توسعه قابل تحسینی دسترسی پیدا کنند.
از دهه های ۷۰ میلادی به بعد، پدیده جدیدی دنیای اقتصاد را دگرگون، حیرت زده و دچار مخمصه کرد. این پدیده با نام تورم همراه با رکود شهرت یافت و چالشی جدید برای دانش روز اقتصاد فراهم کرد. در این پدیده، سیاست های کلاسیک و نئو کلاسیک دیگر کارساز نیستند زیرا آن ها یا باعث رکود یا تورم می شوند. در این میان، تورم و مصائب حاصل از آن که به کرات و به ویژه در دوران جنگ دوم جهانی تجربه شده بود کابوس وحشتناکی را پیش روی سیاست گذاران قرار داده بود. این مصیبت جدید نیز مانند بسیاری از مصیبت های مشابه در دوره های گذشته موجبات یک انقلاب فکری جدید را فراهم کرد که با نام نظریه «نئو نئو کلاسیک یا نظریه پول گرایان» شناخته می شود. براساس این نظریه، پول و تقاضای شکوفا شده از آن، هیچ گونه تاثیر میان یا طولانی مدت مثبت بر اقتصاد و رشد اقتصادی ندارد؛ به این معنی که اگر حجم و سرعت گردش پولی در کوتاه مدت افزایش پیدا کند؛ گشودگی اقتصادی حاصل از آن نه تنها دوام نمی آورد بلکه اقتصاد را دچار تنگناهایی می کند و در همان دوره، موجب عقب گردیا بومرنگ اقتصادی می شود و در میان و طولانی مدت چیزی به نام رشد اقتصادی جدید به اقتصاد کشور اضافه نمی کند. این پدیده که با وضعیت مالیات تورمی یا با نام سیاست مخارج تورم زا Monetary Spending Policy شهرت پیدا کرده است، هیچ گاه و در هیچ کشوری آثار مثبت اقتصادی نداشته است. باید دانست که مالیات تورمی که به ظاهر منابع بسیار هنگفت مالی را به دولت منتقل و ظاهرا امکانات بزرگ سرمایه گذاری را در کشور فراهم می کند، تورمی افسار گسیخته را به اقتصاد تحمیل و پروژه های رشد و توسعه اقتصادی در دست اجرا را به علت گرانی مداوم به عقب می اندازد و رشد واقعی اقتصادی را باطل می کند. یکی از عواقب تورم حاصل از مالیات تورمی از کار انداختن قانون تعادل عمومی است، زیرا که نوسانات زودگذر تورمی نمی تواند علایم صحیحی به سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری بدهد و به این ترتیب موجبات تاخیر در برنامه تولیدی موسسات را فراهم می آورد. راه حلی که اقتصاددانان تاکنون برای اجتناب از تورم و رکود پیدا کرده اند راه حلی سازمانی مدیریتی است. تغییرات ساختاری در استفاده از منابع پولی، مالی و قانون گذاری کشور باید طوری اصلاح شوند که کارایی، بهره وری و اثربخشی منابع و امکانات افزایش پیدا کند. بدیهی است که تجدید نظر در ساختارهای قانونی و همچنین بازنگری در روند وضع قوانین، مقررات و روش های جدید اجرایی که موانع دیوان سالاری، دولت بزرگ و اقتصاد رانتی را برطرف کند و بهبود مدیریت و شایسته سالاری را به همراه داشته باشد؛ به افزایش بهره وری، رونق تولید و رشد اقتصادی منجر می شود. از این میان، شعار رونق تولید در سال ۱۳۹۸ هم مستثنا از این اصل و قاعده نیست و باید پیش از هر اقدامی اقتضائات تحقق آن را در علم اقتصاد، رویکردها و رویه ها بررسی کرد.

## بریده کتاب

من از وقتی تو نوشته هایم را می خوانی، می نویسم.
از وقتی اولین نامه را نوشتم نامه ای که نمی دانستم مفهومش چیست.
نامه ای که معنایش را تنها در چشمان تو می یافتم.
من هیچ گاه بیش از سه جمله اول این نامه چیزی ننوشته ام:
هیچ باوری نداشتن. منتظر چیزی نبودن. امید داشتن به آن که روزی اتفاقی بیفتد.
کلمه ها از زندگی ما عقب هستند.
تو همیشه از آن چه من انتظار داشتم، جلوتر بودی.
تو همیشه غیر منتظره بودی.

**غیر منتظره- نویسنده: کریستین بوبن**

## دیالوگ

آنیک (گیرنده قلب): می دونین من ارمنی ام؟
نادعلی (پدر اهدا کننده قلب): چه فرقی می کنه وقتی قراره امانت مارو تو سینه ات نگه داری؟!

**بودن یا نبودن**
**کیانوش عیاری**